

## تحول و تطور طغراء در تمدن اسلامی

عباس احمدوند<sup>۱</sup>

### چکیده

طغراء واژه‌ای اصالتاً ترکیبست که در زبان‌های عربی و فارسی نیز به کار رفته است. در سنت دیرین حاکمان ترک ترکستان، طغراء به‌مثابه نشانه نوشتاری معادل امضاء یا تأیید و صحت نهادن بر حکم و دستور بود. بعدها با قدرت‌یابی ترکان در سرزمین‌های شرقی اسلامی تا هند و شرق آسیا و بسط اقتدار سیاسی آنان در قلمروی عثمانی تا اقصای مغرب اسلامی و شرق اروپا، طغراء به‌عنوان بخشی از تشکیلات اداری مسلمانان رواج تام و تمام یافت و دارای سازمانی خاص گردید. علاوه بر پیوستگی به دستگاه اداری مسلمانان که تا مرتبه اختصاص دیوانی به آن رشد کرد، طغراء جنبه هنری نیز یافت و بسیاری از هنرمندان خطاط و نقاش در آن به طبع آزمایی پرداختند و نمونه‌های ارزنده هنری را تا پایان امپراتوری عثمانی خلق کردند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد زمینه‌شناسی تاریخی به بررسی پیدایی و سیر تحول و تطور طغراء در تمدن اسلامی می‌پردازد.

### واژگان کلیدی

طغراء، طغرای (طغراکش)، دیوان طغراء، توقیع، تمغا، عثمانی.

۱. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه شهید بهشتی و مدرس دروس معارف اسلامی.  
a\_ahmadvand@sbu.ac.ir  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۷ تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۸

## طرح مسئله

در گذر زمان، هنر با امور زندگی چنان پیوند می‌خورد که به آسانی نمی‌توان میان آنچه هنری است و آنچه غیرهنری است، تفکیک قائل شد. در گذشته، این پیوند عمیق میان هنر و زندگی را بیش از هر جای دیگر، در تعامل با رسوم حکمرانی می‌توان دید. حکمرانان از مهمترین یا به تعبیری دقیق‌تر، تنهاترین حامیان هنر و هنرمندان در گذشته بوده‌اند و به جز برخی از ابنیه عمومی، عمده هنرنمایی‌های پنجه هنرمندان را در انحصار خود می‌داشتند. نیازهای سیاسی و اداری آنان، استفاده از ماحصل خلاقیت‌های اهل هنر را بیش از پیش فراهم می‌آورد و هنرمندان نیز به ضرورت و برای تداوم این تعامل، برای خوشایند سلطان، به هنرشان رنگ و لعاب بیشتری می‌دادند. بی‌گمان سرآغاز این ضرورت‌ها و نیازها عاملی جهت پدیدار شدن هنرها بوده است ولی آرام آرام، این هنر بود که سازوکار خاص خود را بر ساختار سیاسی - اداری تحمیل کرد. یک نمونه از این هنرورزی‌ها، «طغراء» است؛ هنری که از نیازی اولیه در نشان‌دار کردن نامه‌ها و فرمان‌ها آغاز شد و در ادامه به تشکیلات دیوانی پر دامنه‌ای تبدیل گردید.

در این مقاله می‌کوشیم چگونگی و سبب شکل‌گیری هنر طغراکشی را شرح دهیم و مسیر تبدیل شدن آن را به هنری خاص و البته نهادی اداری، نشان دهیم.

## پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌چندانی درباره طغراء انجام نشده است. برخی از پژوهش‌ها چون «مهرها و طغراها و توقیع‌های پادشاهان ایران از ایلخانیان تا پایان قاجاریه»<sup>۱</sup> «توقیع و طغراء و تطور آنها در تداول دیوانی»<sup>۲</sup> «مهرها و توشیح و طغراهای ملوک هرموز»<sup>۳</sup> از جهانگیر قائم مقامی، در شمار محدود پژوهش‌هایی هستند که بیشتر تاریخچه و تحولات توقیع و طغراء و تفاوت آنها را از یکدیگر، واکاویده‌اند. سید مهدی جوادی نیز در مقاله «تحول نظام خاتم و نشان در تشکیلات اسلامی»<sup>۴</sup> و محمد آبادی باویل نیز در مقاله «تمغا»<sup>۵</sup> از لحاظ ادبی و ریشه‌یابی، این اصطلاح را بررسی کرده‌اند.

۱. قائم مقامی، مهر و ماه و طغراها و توقیع پادشاهان ایلخانیان تا پایان قاجاریه، خرداد تا شهریور ۱۳۴۸، سال چهارم، ش ۲ و ۳، ص ۱۶۲ - ۱۲۳.

۲. قائم مقامی، «توقیع و طغراء و تطور آنها در تداول دیوانی»، مجله بررسی‌های تاریخی، ش ۳، ص ۲۸۶ - ۲۳۹.

۳. همو، «مهرها و توشیح و طغراهای ملوک هرمز»، مجله بررسی‌های تاریخی، ش ۳، ص ۵۸ - ۴۳.

۴. جوادی، «تحول نظام خاتم و نشان در تشکیلات اسلامی»، مجله تاریخ اسلام، ش ۲۴، ص ۸۶ - ۶۵.

۵. آبادی باویل، «تمغا (طمغا)»، مجله زبان و ادب فارسی، ش ۱۰۴، ص ۴۹۹ - ۴۷۹.

اسدالله واحد در مقاله «کتابت مکاتیب دیوانی و آداب در عهد سلجوقی»<sup>۱</sup> نیز به بررسی دیوان طغراء که دیوان رسائل و انشاء در عصر سلجوقی است، پرداخته است. از جدیدترین پژوهش‌ها در این موضوع می‌توان به مقاله «بررسی تحول نشان، طغراء، مهر و امضا در دوران معاصر ایران»<sup>۲</sup> از وحید نجفی و حدیث گودرزی اشاره کرد که آن را در عصر حاضر بررسی کرده‌اند. عمده تحقیقاتی که درباره تاریخ طغراء به زبان‌های اروپایی صورت گرفته، به سبب گستردگی و دیرپایی امپراتوری عثمانی و ارتباطی که با کشورهای اروپایی داشته است، متمرکز بر پیدایی و تحولات آن در سرزمین‌های تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی بوده است که از آن میان می‌توان به مدخل «طغراء» در *دائرةالمعارف اسلام*<sup>۳</sup> چاپ لیدن به قلم کلیفورد ادموند باسورث و همکاری جی. دینای و محمد یوسف صدیق، اشاره کرد. لازم به ذکر است که این مدخل علاوه بر ریشه‌شناسی و بیان تفاوت‌های آن در سرزمین‌های اسلامی با امپراتوری عثمانی، به واگوی جنبه هنری و رمزگشایی علائم به کار رفته و کاربرد آن‌ها پرداخته است. طغراء در لغت‌نامه‌های ترکی، به معنای امضای پادشاهان - که اسم‌شان را روی آن می‌نوشتند یا توسط استادان خط نوشته می‌شد - تعریف شده است. از طرفی وجه تزئیناتی آن که به مرور زمان، تقویت شده و به‌عنوان آرم و نماد در سکه‌ها، شمشیرها، پرچم‌ها، تابلوها و ظرف‌ها ... به کار رفته است.

با توجه به این پیشینه و نیز برخی از کتاب‌ها به ویژه کتاب *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی جهانگیر* قائم مقامی که در نگارش این مقاله از آنها استفاده وافیه و کافی برده شده، می‌توان ادعا کرد که پژوهش حاضر، از معدود آثاری است که همه‌جانبه و از منظرهای گوناگونی چون ریشه‌شناسی، دیوانی و هنری، پیدایی، تحول و تطور دیوانی در دوره‌ها و سرزمین‌های گوناگون اسلامی، طغراء را تا پایان روزگار عثمانیان به بحث و بررسی گذارده است.

### سرآغاز شکل‌گیری طغراء و گسترش آن

حاکمان ترک، از روزگار رؤسای قبیله اُغز تا دوران سلجوقی و جانشینان آنان در ایران، مصر و در قلمروی عثمانی، از نشانی نوشتاری در پایان نامه‌ها و فرمان‌های خود استفاده می‌کردند که در عربی، فارسی و ترکی عثمانی «طغراء» نامیده می‌شود. نویسندگان متون تاریخی، جغرافیایی و ادبی، این کلمه را به تناسب دوره و منطقه مورد استفاده، به شکل‌هایی چون طُغرة، طُغراء، طغری، تُغراغ،

۱. واحد، «کتابت مکاتیب دیوانی و آداب آن در عهد سلجوقی»، *مجله تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ش ۱، ص ۱۸۱ - ۱۶۱.

۲. نجفی، «بررسی تحول نشان، طغراء، مهر و امضا در دوران معاصر ایران»، *تاریخ‌نامه خوارزمی*، ش ۳۴، ص ۱۱۸ - ۸۹.

3. Bosworth, "Theughra" Encyclopaedia of Islam, 2nd Edition.

طوغرای، طوغراغ، طوغری و تورقا نیز ثبت کرده‌اند و در زبان عربی، جمع آن به صورت طُغراوات ساخته شده است.<sup>۱</sup> برخی نیز طغراء را معنای آغاز کتاب یا آغاز سخن دانسته و آن را به صورت «طُرّه» نوشته‌اند.<sup>۲</sup> باگذر زمان و استفاده فراوان از این واژه در زبان‌های عربی و فارسی، درباره ریشه آن دیدگاه‌های متفاوتی پدید آمده و برخی چون مقریزی،<sup>۳</sup> آن را اصالتاً فارسی دانسته‌اند. با آنکه قدیمی‌ترین منبعی که این واژه در آن ذکر شده، دیوان لغات ترک کاشغری است و او نیز آن را واژه‌ای اُغز یا غُزیه و به معنای مهر یا طابع، امضاء و توقیع دانسته، همچنین کاشغری نیز درباره ریشه اصلی این واژه با اطمینان سخن نگفته است.<sup>۴</sup> برخی منابع دیگر طغراء را واژه‌ای ترکی ایغوری و برگرفته از نام اشخاصی چون ارطغرل یا طغراغ یا طوغراغ دانسته‌اند.<sup>۵</sup> منابعی نیز برای آن معنایی چون تصدیق و درستی در نظر گرفته‌اند که در ادوار حکومت ترکان و با کاربرد فراوان، به زبان فارسی و دیگر زبان‌ها چون عربی و حتی رومانیایی، صربی و بلغاری نیز راه یافته است.<sup>۶</sup> به نظر می‌رسد با همه پژوهش‌های صورت گرفته برای شناسایی ریشه و معنای این واژه، همچنان ابهامات پیرامون آن بسیار است و برخی از معنا کاوی‌ها نیز چندان ریشه در واقعیت ندارند.<sup>۷</sup>

طغراء نشانی بود کمان‌وار و به گفته ابن‌بی‌بی<sup>۸</sup> همچون کمانچه. این نشان از نمادهای حاکمان نخستین سلاجقه در شرق الهمام گرفته شد و بعدها بر روی اسناد، فرمان‌ها، منشورهای حکومتی، اسناد ملکی و وقفی، کتیبه‌ها، سکه‌ها و مانند آن نقش می‌بست و محتوای آن را تأیید می‌کرد.<sup>۹</sup> منابع تاریخی سلاجقه تمایل دارند که واژه توقیع را به منزله نشان پدران طغرل، خود او و سلاطین پس از

۱. کاشغری، *دیوان لغات التترک*، ج ۱، ص ۳۸۵؛ قلقشندی، *صبح الاعشی فی صناعة الانشاء*، ج ۱، ص ۵۵؛ خلف تبریزی، *برهان قاطع*، ج ۳، ص ۵؛ فرانسجی‌زاده، *تاریخ گلشن معارف*، ج ۲، ص ۱۴۵؛ قائم‌مقامی، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، ص ۱۷۸.

۲. ابن‌خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۲، ص ۱۹۰؛ ابن‌منظور، *لسان العرب*، ذیل ماده طر؛ بهنسی، *معجم مصطلحات الخط العربی و الخطاطین*، ذیل ماده طغری، ص ۱۷۸.

۳. مقریزی، *المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار*، ج ۳، ص ۷۳۲.

۴. کاشغری، *دیوان لغات التترک*، ج ۱، ص ۳۸۵؛ Pakalin, *Osmanli Tarih Deyimleri Ve Terimleri Sozlugu*, P 525.

۵. فرانسجی‌زاده، *تاریخ گلشن معارف*، ج ۲، ص ۱۴؛ Sâmi, *kamus türk*, Appendix Article.

۶. خلف تبریزی، *برهان قاطع*، ج ۳، ص ۵؛ Bosworth, "Tughra", *Encyclopaedia of Islam (2nd Edition)*.

۷. کاشغری، *دیوان لغات التترک*، ج ۱، ص ۳۸۵.

۸. Clauson, *An Etymological Dictionary of Pre - Thirteen Century Turkish*, P 471; Cahen, "La Tugra Seljukide", *Journal Asiatique*, P. 167.

۹. مشکور، *اخبار سلاجقه روم*، ص ۱۷۶.

۹. خلف تبریزی، *برهان قاطع*، ج ۳، ص ۵؛ رامپوری، *غیث اللغات*، ذیل ماده طره؛ اشپولر، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ج ۲، ص ۱۴۴؛ قائم‌مقامی، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، ص ۱۷۸.

وی، تعبیر کنند.<sup>۱</sup> با این حال، طغرا را بیشتر باید مشابه و جایگزین مهر دانست تا توقیع، زیرا توقیع بیشتر شبیه تغمای ترکی است.<sup>۲</sup> طغراء عموماً به منزله علامت حاکم و در حکم دست خط او بود که بر آغاز اسناد، در بالای بسمله با قلمی پررنگ و به شیوه‌ای تو در تو و پیچیده رسم می‌شد.<sup>۳</sup>

### اجزاء طغراء

هر فقره طغراء اجزایی داشت: ۱. سرآه که به منزله کرسی طغراء یا جزء پایینی آن به‌شمار می‌رفت و متن اصلی طغراء از آن شروع می‌شد، شکل کرسی نیز مانند گلابی بود؛ ۲. بیضة الطغراء که به دو قوس مرکب از دو حرف نون اطلاق می‌شود؛<sup>۴</sup> ۳. طوغ یا طُغ که در واقع حروف امتداد یافته تا بالای طغراست و بیضة را از بالا قطع می‌کند و علی‌الظاهر نام طغراء از آن جهت که مهم‌ترین بخش طغراست، اخذ شده است؛ ۴. قول که جزء پایانی طغرا و به منزله بازوی راست طغراء است که به شکل دو خط منحنی نمایش داده می‌شود.<sup>۵</sup>

در عصر عثمانی که نقطه اوج طغراکشی در جهان اسلام است، این اجزاء اندکی تغییر نام دادند و در معرض تحولاتی قرار گرفتند؛ در این دوران، طغراء مرکب از پنج بخش: سیره،<sup>۶</sup> بیضة،<sup>۷</sup> طوغ،<sup>۸</sup> زلف<sup>۹</sup> و خنجر بودند. در دوره نخستین عثمانی، طغراء به شکل ساده‌ای کشیده می‌شد و در آن زلف و خنجر دیده نمی‌شد، اما با گسترش امپراتوری عثمانی، تحولات مهمی در رسم طغراکشی ایجاد شد و بعد از دوران سلطان مراد دوم (۸۲۴ - ۸۴۸ ق) بود که پنج بخش نهایی آن بدین شرح، شکل گرفت.<sup>۱۰</sup>

سیره: بخش تحتانی پایه به سمت بالای طغراء را شامل می‌شود و در آن نام سلطان، پدرش و

۱. راوندی، *راحة الصدور و آیه السرور*، ص ۹۸؛ ۱۶۸ - ۱۶۷، Cahen, "La Tugra Seljukide", *Journal Asiatique*.

۲. دهخدا، *تخت نامه*، ذیل ماده طره؛ قائم‌مقامی، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، ص ۱۸۲؛

Bosworth, "Tughra", *Encyclopaedia of Islam* (2nd Edition).

۳. ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۲، ص ۱۹۰؛ اشپولر، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ج ۲، ص ۱۵۹؛ انوری، *اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی*، ص ۱۶۱؛

L. Clausnert, *The Seljuk Vezirate a study of civil administration (1055 - 1194)*, p 17.

طغراهای عصر ایلخانی و صفوی را بر بالای مهر و نه بسمله می‌دانند.

۴. هدلق، «الطغراء فی الخط العربی»، *مجلة الفيصل*، العدد ۳۳۹، ص ۱۳.

۵. همان، ص ۱۵.

6. Sere.

7. Beyze.

8. Tuğ.

9. Zülfe.

10. Odabaş, *Osmanlı imparatorluğunda yazma Eser ve ferman süsleme sanatı*, p. 18.

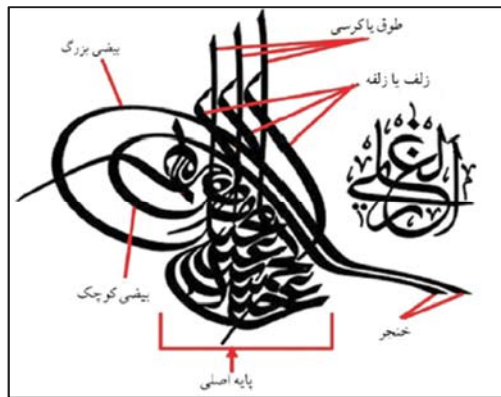
دعای المظفر دائماً نقش زده می‌شود.<sup>۱</sup>

بِیضَة: این بخش در سمت چپ ناحیه میانی طغراء، شامل دو یا سه لایه، واقع در درون یکدیگر و به شکل تخم‌مرغ است. بِيضَة در طغراء حرف‌هایی چون «بن، خان، ن» را در بر می‌گیرد و در واقع تکمیل‌کننده نام سلطان و پدر او در بخش سَرَة است. همچنین واژه دائماً در داخل بِيضَة جای می‌گرفت. برای نمونه در نام اورخان بن عثمان به علت در بر داشتن سه «ن» بِيضَة طغرای اورخان از سه لایه تشکیل می‌شود، اما برای سلاطین دیگر به سبب وجود دو «ن»، هم چون مراد بن اورخان، بِيضَة طغرای مراد دارای دو لایه در درون هم است.<sup>۲</sup>

طوغ: در طغراء به معنی لواء و پرچم بود و حروف «ل، لا» در اسماء سلطان، به‌عنوان ستونی بیشتر در سه خط موازی در طغراء کشیده می‌شد. هدف از رسم طوغ نشان دادن اوج و عظمت سلطان عثمانی بود.<sup>۳</sup>

زُلف: این بخش در سه خط از قسمت پایین طوغ، از سمت چپ به صورت خمیده‌ای کشیده و در سمت راست به پایان می‌رسید و نشان پیشروی عثمانی‌ها در نواحی غربی امپراتوری بود.<sup>۴</sup>

خنجر: امتداد نوک‌های بِيضَة به سمت راست طوغ را خنجر می‌گفتند که این نماد قدرت سلطان بود.<sup>۵</sup> در اواخر دوره عثمانی بخشی دیگر به نام مَخْلَص<sup>۶</sup> در طغراء اضافه شد. مخلص در سمت راست طغراء قرار می‌گرفت و صفات امپراتوران عثمانی همچون عادل و رشید در آن رسم می‌شد.<sup>۷</sup> (تصویر ۱)



تصویر ۱. اجزای طغرای سلطان عبدالحمید عثمانی<sup>۸</sup>

1. Nadir, *Osmanlı padişah fermanları*, P. 13; Özdemir, *Osmanlı Arması*, P. 53.
2. Boydaş, *Osmanlı tuğralarına eleştiri açısından bir bakış*, P. 77 – 83.
3. Umru, *Osmanlı padişah tuğraları*, P. 82.
4. Özdemir, *Osmanlı Arması*, P. 53.
5. Ibid.
6. Mahlas.
7. Odabaş, *Osmanlı imparatorluğunda yazma Eser ve ferman süsleme sanatı*, P. 18.
8. Mensiz, 2002, p. 2.

### کاربرد هنری - ادبی طغراء

با آنکه سرآغاز بهره‌مندی از طغراء در امور دیوانی بود، کاربرد آن به همان زمینه و ساختار محدود ماند. با ورود سلجوقیان به سرزمین‌های شرقی خلافت اسلامی و بسط دامنه قدرتشان در نواحی دره سند، رسوم دیوانی این خاندان به تدریج راه آسیای جنوبی را نیز در پیش گرفت و طغراء به سرزمین‌ها و دربار حاکمان مسلمان هند نیز راه یافت. در کنار تأثیرپذیری حاکمان هند از رسوم دیوانی عصر سلجوقی، عاملی دیگر نیز در رواج طغراکشی نقش بازی می‌کرد که بی‌گمان تأثیر بسزایی در کاربرد هنری این رسم دیوانی داشت.

خوشنویسانی که خود را از درگیری‌های سرزمین‌های اصلی اسلام دور می‌کردند و در هند پناه می‌جستند، برخلاف کاربرد طغرای عثمانی که به مثابه امضاء سلطان بود، در هند و جنوب شرق آسیا، از طغراء بیشتر در زمینه‌های هنری بهره می‌بردند و به جنبه تزئینی آن بیشتر توجه داشتند. بدین ترتیب خوشنویسان در تولید شکل‌ها و الگوهای گوناگون طغراء، با استفاده از تخیل خلاقانه خود آزادانه عمل می‌کردند. طغراءهای ترسیمی آنها به مانند طغراءهای ممالیک مصر بود، به ویژه در تکرار منظم حروف عمودی دراز شده (مثل الف) که از خط افقی خوشنویسی و قراردادهای توازن آن حروف عمودی کشیده می‌شد. این ویژگی طغراء، در تعدادی از کتیبه‌های معماری اسلامی در آسیای جنوبی دیده می‌شود.<sup>۱</sup>

برای نمونه در طغراءهای بنگالی که عمدتاً در بناها به کار رفته است، پیچ‌خوردگی‌های درستی حروف عمودی، پیرو سبکی خاص هستند و اغلب مشخصه‌های حرف «الف» را دارند. درحالی‌که انحناهای هلالی شکل موج‌دار که با حروف بیضی شکل مانند «نون» و «یا» ارائه می‌شوند، در برخی موارد تکانه بالای خط افقی حرف «کاف» و کلمه «فی»، به روی قسمت‌های مستقیم خطوط عمودی اضافه شده‌اند. بخش اصلی متن در واقع تجمع غلیظی است و در پایین یک الگوی پیچیده نوشتاری تفسیر شده است.<sup>۲</sup> به هر روی، پیدا کردن الگویی هماهنگ و تکرار شونده در حرکت حروف و جریان سطرها در طغرای بنگالی، چندان دشوار نیست. در طغرای بنگالی، اغلب، اصطلاحات، استعاره‌ای از زندگی، طبیعت و محیط زیست بنگال را می‌توان مشاهده کرد؛ شکل‌های انتزاعی از تیر و کمان - که در شکار ضروری است - تا قو و نی بنگالی که در حاشیه رودخانه‌ها و در طغرای بنگالی

1. Yaqub Ali, *Epigraphs of Medieval Bengal Mode of Decipherment and Utilization for History - writing*, p. 14 - 16.

۲. صدیق، رحله مع النقوش الكتابية الإسلامية فی بلاد البنغال، ص ۱۰۸ - ۸۳.

به کرات دیده می‌شود.<sup>۱</sup> با اینکه طغراء، محبوبیت خود را در اواسط قرن دهم در بنگال از دست داد، اما در برخی پادشاهی‌های مسلمان هند جنوبی مانند گلکنده، بیجاپور و حیدرآباد هم‌چنان رواج داشت.<sup>۲</sup>

طغراء هم‌چنان برای طراحی‌های خوشنویسانه در آسیای جنوب شرقی — به‌ویژه در پاکستان — محبوب است. از طغراء در پاکستان به طور گسترده در اسناد رسمی چون تمبرهای پستی، سکه‌ها، مدال‌ها و اسناد حقوقی استفاده می‌شود. در بیشتر اوقات، این طغراءها در ظاهر شبیه طغراءهای عثمانی هستند.<sup>۳</sup>

در عصر قاجار نیز طغراء گاه به‌معنای برگه یا برگه‌ای برای نامه‌ها، تلگراف‌ها و قبوض به‌کار رفته است.<sup>۴</sup> هم‌چنین در فرهنگ فارسی عمید از طغراء به‌عنوان خط تزئینی و واحد شمارش سند و نامه یاد شده است.<sup>۵</sup> علاوه بر طغراءهای رسمی، بعضی اشخاص نیز به نام خود طغراء می‌ساختند و گاهی آن را به‌عنوان علامت تجاری به‌کار می‌بردند.<sup>۶</sup> برخی از شعراء و ادباء نیز چندان از طغراء استفاده کردند که این نشان به صورت نامی علم، در سابقه ادبی آنان باقی ماند.<sup>۷</sup>

#### آداب و رسوم طغراکشی نزد حکومت‌های محلی و خاندان‌های حکومت‌گر

با ورود سلجوقیان به فلات ایران، تغییرات گسترده‌ای در نظام دیوانی پدید آمد و حاکمان محلی از شرقی‌ترین نقطه ایران تا غربی‌ترین سرزمین‌های تحت‌سلطه سلاجقه، از رسوم دیوانی نوین سلجوقی الگو گرفتند. آنان مسئول ترسیم یا کشیدن طغراء را طغرائونیس یا طغراکش یا طغرائی و نشان‌چی می‌خواندند<sup>۸</sup> و تعابیری چون دیوان طغراء یا وزیر طغراء در منابع این عصر، گویای اهمیت و جایگاه

1. Bosworth, "Tughra", *Encyclopaedia of Islam* (2nd Edition).

2. Ibid.

۳. اوزون چارشیلی، نادیا برگ نیسی و دیگران، ذیل ماده‌های برات (۲) و برات (۳)؛ روسویتا بدری و محبوبه جودکی، ذیل ماده تمبر؛ شهناز شایان‌فر و سید علی موسوی، ذیل ماده‌های پرچم (۱) و پرچم (۲)؛ شیلا بلر، علیرضا هاشمی‌نژاد، مهدی صحراگرد و ولی‌الله کاووسی، ذیل ماده خطاطی در دانشنامه جهان اسلام؛

Bosworth, "Tughra", *Encyclopaedia of Islam* (2nd Edition).

۴. خورموجی، *حقایق الاخبار ناصری*، ج ۲، ص ۲۷۷؛ مبصر السلطنه، *مراسلات طهران*، ص ۳۹۸؛ کسروی، *تاریخ هیجده ساله آذربایجان*، ص ۱۹۱.

۵. عمید، *فرهنگ عمید*، ذیل ماده طغراء.

۶. مصاحب، *دایرة المعارف فارسی*، ذیل ماده طغراء، ص ۶۷۱.

۷. مستوفی قزوینی، *تاریخ گزیده*، ص ۵۳؛ صفا، *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۵، ص ۳، ۱۷۷۴ - ۱۷۷۰.

۸. قمی، *تاریخ الوزراء*، ص ۴۰؛ مستوفی قزوینی، *تاریخ گزیده*، ص ۴۰۰؛

F. Steingass, *A Comprehensive Persian - English Dictionary*, p. 17, 19, 49.



آن در نظام دیوانی است.<sup>۱</sup> در این عصر بسیاری از افرادی که در این منصب به دیوان خدمت می‌کردند، با نسبت طغرایی شناخته می‌شدند؛ از مشهورترین آنان می‌توان به حسین بن علی طغرایی اشاره کرد که برخی گمان برده‌اند معنای واژه طغراء با وی پیوند دارد.<sup>۲</sup> احتمالاً سلسله‌هایی که پس از فروپاشی سلاجقه بر سر کار آمدند، چون خوارزمشاهیان (حک. ۶۲۸ - ۴۷۰ ق)، اتابکان زنگی (حک. ۵۶۹ - ۵۲۱ ق) و سپس ایوبیان (حک. ۶۴۸ - ۵۶۷ ق) نیز طغراء را از سلاجقه آموخته باشند.<sup>۳</sup> در عصر خوارزمشاهیان، علاءالدین محمد خوارزمشاه (حک. ۶۱۷ - ۵۹۶ ق) نیز به‌عنوان بخشی از طغرایش شعار «السلطان ظل الله فی الارض» را در اسناد رسمی و فرامین به‌کار می‌برد،<sup>۴</sup> ولی فرزندش جلال‌الدین (حک. ۶۲۸ - ۶۱۸ ق) چنین نکرد. ظاهراً ترکان خاتون، همسر علاءالدین محمد خوارزمشاه نیز برای خود طغرایی داشته است.<sup>۵</sup> سلاطین ایوبی نیز مانند اسلاف فاطمی خود در مصر و جنوب شام، نشان‌هایی دینی و سلطنتی را به‌عنوان علامت خویش به‌کار می‌بردند و احتمالاً نام و امضاء یا توفیق سلطان را نیز بر آن افزودند.<sup>۶</sup> اشترن معتقد است که طغراهای رایج در این دوران‌ها، در واقع طراحی‌هایی ترسیمی و کشیده داشته‌اند.<sup>۷</sup>

آنانی که به در عهد مغول امر طغرانیسی می‌پرداختند، می‌کوشیدند در رسم طغراکشی از فنون و مهارت‌ها و روش‌های ویژه‌ای استفاده کنند تا تفاوت طغراکشی با توفیق، هرچه بیشتر نمایان شود؛<sup>۸</sup> نمونه‌های باقیمانده طغرا از عهد ایلخانان (حک. ۷۳۶ - ۶۵۱ ق) و تیموریان (حک. ۹۱۱ - ۷۷۱ ق)، نشان می‌دهد که طغراها را در سه سطر می‌نوشتند و استفاده از اصطلاح «فرمان ما» در آنها به سنتی خاص تبدیل شده بود؛ همچنین در طغراهای این دوران از اصطلاح ترکی - مغولی چون «سیوزمز» یا «سیوزمیز» نیز استفاده شده که دست‌کم تا دوران شاه عباس دوم (حک. ۱۰۷۷ - ۱۰۵۲ ق)، همچنان در فرامین و نامه‌های سلطنتی می‌توان آنها را مشاهده کرد.<sup>۹</sup> (تصاویر ۲ و ۳)

۱. معزی، دیوان، ص ۱۷، ۱۱۶؛ قمی، تاریخ الوزراء، ص ۲۹، ۳۶؛ جوینی، عتبه الکتبه، ص ۴۹ - ۴۸؛ اقبال، وزرات در

عهد سلاطین بزرگ سلجوقی ... ص ۱۲۸؛ انوری، اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی، ص ۱۶۱.

۲. ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۲، ص ۱۹۰؛ مقریزی، المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار، ج ۳، ص ۷۳۲؛ مشکور، اخبار سلاجقه روم، ص ۲۹۲؛

Pakalin, *Osmanli Tarih Deyimleri Ve Terimleri Sozlugu*, Vol 3, P 525.

3. Cahen, "La Tugra Seljukide", *Journal Asiatique*, p. 171 - 172; Bosworth, "Tughra", *Encyclopaedia of Islam* (2nd Edition).

۴. نسوی، سیرت جلال‌الدین منکبرنی، ص ۲۱۵.

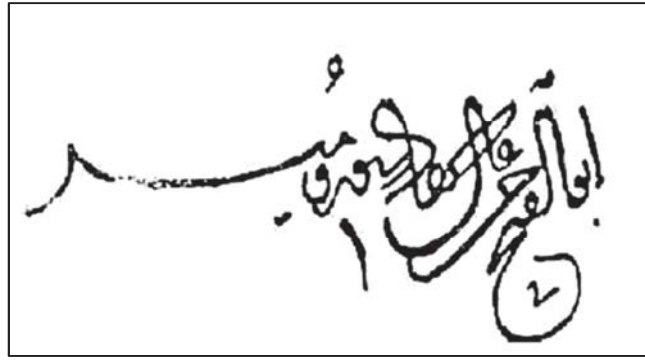
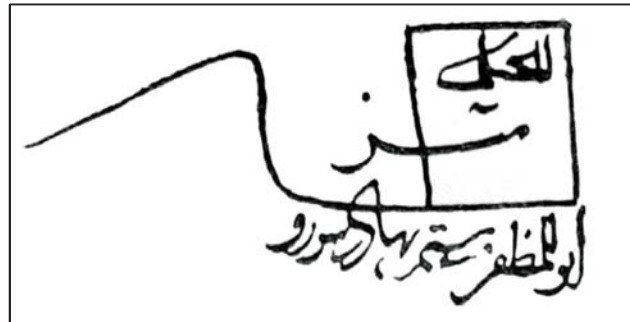
۵. همان، ص ۶۳.

6. Bosworth, "Tughra", *Encyclopaedia of Islam* (2nd Edition).

7. Stern, *Coins and documents from the Medieval Middle East*, p. 15 - 17.

۸. جوینی، عتبه الکتبه، ص ۲۲۴ - ۲۲۳.

۹. قائم‌مقامی، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، ص ۱۹۰ - ۱۸۵، شکل‌های: ۱۱، ۳۳ - ۲۹.

تصویر ۲. طغرای حسن علی قراقویونلو<sup>۱</sup>تصویر ۳. طغرای رستم بیگ آق قویونلو<sup>۲</sup>

از عصر صفویان (حک. ۱۱۴۸ - ۹۰۷ ق) تا زمان برآمدن سلسله قاجاریه (حک. ۱۳۰۴ - ۱۱۷۴ ش)، به‌رغم رواج رسم طغراکشی و طغرانیسی در دربار شاهان ایران،<sup>۳</sup> تفاوتی در این امر صورت گرفت و طغراکشی مخصوص واقعه‌نویسان دربار شده بود و کمتر فرمانی از سوی پادشاه به طغراء مزین می‌گشت.<sup>۴</sup> در این دوره هم‌زمان با تغییرات بنیادین در مذهب رسمی، نشانه‌های آن به امور دیوانی نیز راه یافت و طغراهای شطرنجی با دوازده خانه و هر خانه به نام یکی از ائمه دوازده‌گانه شیعه علیهم‌السلام اختصاص می‌یافت.<sup>۵</sup> (تصویر ۴)

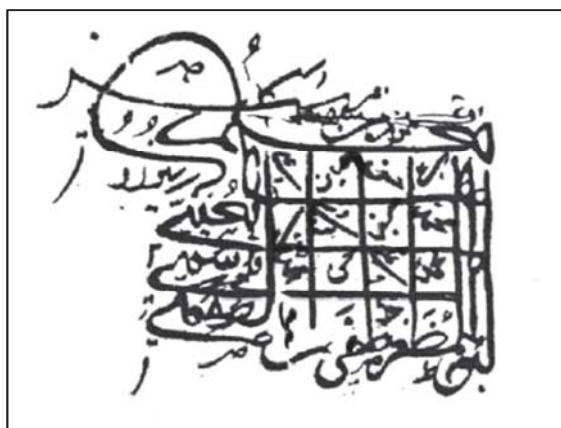
۱. قائم‌مقامی، «توقیع و طغرا و تطور آنها در تداول دیوانی»، *مجله بررسی‌های تاریخی*، ش ۳، ص ۲۶۱.

۲. ترابی طباطبایی، «سکه‌های آق قویونلوها و مبنای حکومت صفویه در ایران»، *موزه آذربایجان*، ش ۷، ص ۲۳.

۳. استرآبادی، *درة نادره*، ص ۵۶۷؛ کریم‌زاده تبریزی، *مهرها، طغراها و فرمان‌های پادشاه ایران*، ص ۱۱، ۳۸، ۱۹۰ و ۲۹۷.

۴. میرزا رفیعا، *دستور الملوک*، ص ۶۱.

۵. کریم‌زاده تبریزی، *مهرها، طغراها و فرمان‌های پادشاه ایران*، ص ۵۸ و ۷۰؛ قائم‌مقامی، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، ص ۱۹۲، شکل ۳۰.



تصویر ۴. طغرای شاه صفی صفوی<sup>۱</sup>

پس از دوران سلطنت شاه طهماسب اول، تغییراتی در اشکال و مضامین طغراها پدید آمد و به جای ذکر نام و القاب پادشاهان، طغراهایی با مضمون «حکم جهان مطاع شد» یا «فرمان همایون شد» یا «فرمان همایون شرف نفاذ یافت»، رواج پیدا کرد که هر یک از این مضامین در نظام اداری و مالی صفویان معنایی ویژه داشت و به منظوری خاص به کار می‌رفت.<sup>۲</sup> (تصویر ۵)



تصویر ۵. طغراهای شاه سلطان حسین صفوی<sup>۲</sup>

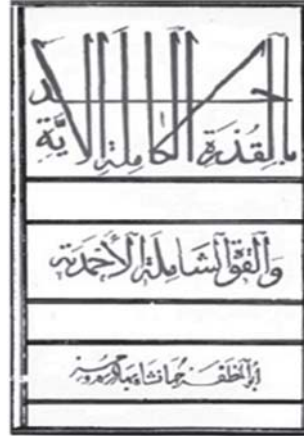
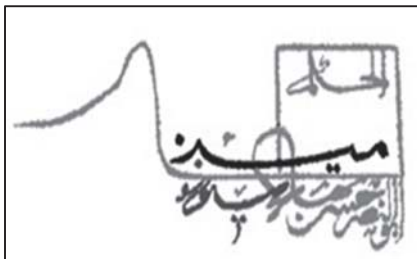
۱. قائم‌مقامی، «توقیع و طغرا و تطور آنها در تداول دیوانی»، مجله بررسی‌های تاریخی، ش ۳، ص ۲۹.

۲. همو، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، ص ۱۹۶، شکل ۳۴، ۳۵ و ۳۶.

۳. شهرستانی، جلوه هنر در اسناد ملی، ص ۴۰ - ۲۹.

در عصر صفوی برخی وزیران، صدور و مجتهدان نیز برای خود طغراهایی دستوپا کردند که پس از تأیید پادشاه، اجازه استفاده از آن را می‌یافتند و دیوانیان نیز ملزم به رعایت آنها بودند.<sup>۱</sup> از دیگر موارد استفاده از طغراء در عصر صفوی، ترسیم آن در بالای شجره‌ها<sup>۲</sup> بوده است.<sup>۳</sup>

در دوران حکومت آق‌قویونلو (حک. ۹۱۴ - ۷۸۰ ق) و قراقویونلو (حک. ۸۷۴ - ۷۸۰ ق) نیز استفاده از طغراء رواج داشته (تصاویر ۶ و ۷) و تأثیرات و برخی از ویژگی‌های طغراکشی‌های آق‌قویونلوها مانند رنگ و مضامین می‌توان در طغراهای دوران صفوی تا دوران قاجار نیز مشاهده کرد.<sup>۴</sup>

تصویر ۶. طغرای حکومت جهان‌شاه قراقویونلو<sup>۵</sup>تصویر ۷. طغرای حکومت اوزون حسن آق‌قویونلو<sup>۶</sup>

همچنین در عصر ناصرالدین شاه قاجار (حک. ۱۲۷۵ - ۱۲۲۷ ش) برای مدتی کوتاه از نقش چاپی با عبارت «فرمان همایون شد» به جای طغراهای طلایی استفاده شد و همین رسم بعدها تا زمان احمد شاه قاجار (حک. ۱۳۰۴ - ۱۲۸۸ ش) نیز ادامه یافت<sup>۷</sup> و سرانجام رسم طغراکشی در سال

۱. اسکندربیک ترکمان، *عالم آرای عباسی*، ج ۳، ص ۱۰۹۰؛ قائم‌مقامی، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، ص ۱۹۴، شکل ۳۸.

۲. لفظ شجره از معطلقات خاص دوره صفویان است. در تداول دیوانی آن زمان به فرمان و دستور کتبی و خاصی گفته می‌شد که از جانب پادشاه به کسانی از زمره مریدان خاص و معتمدان خاندان صفوی برای ارشاد و هدایت ارباب ارادت به طریق مستقیم شریعت نبوی و مذهب حق ائمه اثنی عشری و مسلک مشایخ عظام صفوی داده می‌شد.

۳. همان، ص ۱۹۴، شکل ۳۸.

۴. همان، ص ۴۶ - ۳۱، شکل‌های ۲۶، ص ۶۴ - ۳۱.

۵. افشارمه‌اجر و کلهر، «بررسی بصری طغراء و مهرهای سلطنتی ایران»، *نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی*، ش ۳، ص ۵۵.

۶. همان.

۷. قائم‌مقامی، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، ص ۲۱۷ و ۲۲۰، شکل‌های ۵۰ - ۴۸.

۱۳۲۴ ق / ۱۲۸۵ ش در ایران منسوخ شد.<sup>۱</sup>

پس از برافتادن ایوبیان و برآمدن ممالیک (حک. ۹۲۳ - ۴۶۸ ق) در مصر، این غلامان تازه به تاج و تخت رسیده، برای نشان دادن اعتبار حکومتشان، هرچه بیشتر کوشیدند تا از رسوم ایوبیان پیروی کنند و خود را جانشینان به حق آنان نشان دهند. لذا استعمال طغراء را بیش از پیش رواج دادند و بنا به گزارش مقریزی، در این عصر طغراء به مثابه علامت سلطان، بسیار رایج گردید.<sup>۲</sup> همچنین قلقشندی در گزارشی مبسوط، کاربرد و نحوه ترسیم طغراء در دوران مملوکی را بیان کرد که طبق این گزارش طغراء حاوی القاب سلطانی بوده و با قلم طلایی و سیاه، بر بالای منشورها کشیده می شده است.<sup>۳</sup> بنا به گزارش قلقشندی، طغراء بنا بر کم یا زیاد بودن حروف یا کثرت و قلت نام‌های به کار رفته در آنها، اشکال گوناگونی به خود می گرفته‌اند؛ حروف کم‌شمار طغراء را با قلم مختصر الطومار می نوشتند تا فضا پُرتر شود و اگر حروف آن بیشتر می بود، در نوشتن طغراء نیز از قلم ثلث استفاده می کردند. همچنین قطع کاغذی که فرمان‌ها در آن نوشته می شد، در بزرگی و کوچکی طغراء تأثیر داشته است. قلقشندی خود اندازه‌های گوناگون طغراء و برخی نمونه‌هایی از طغراء - مانند: طغراء ملک ناصر محمد بن قلاوون یا طغراء اشرف شعبان بن حسین - را آورده است.<sup>۴</sup> کاربرد طغراء در عصر ممالیک تا پایان حکمرانی ملک شعبان (حک. ۷۴۸ ق) رایج بود و پس از آن منسوخ شد.<sup>۵</sup>

باتوجه به اعتباری که امپراتوری عثمانی در جهان اسلام به علل گوناگون برای خود دست‌وپا کرده بود، از نظر فرهنگی نیز در دیگر مناطق جهان اسلام از آنها تقلید صورت می گرفت. برای نمونه برخی از حاکمان مناطق آفریقای شمالی چون سلاطین شرفای سعدی با تقلید از عثمانی‌ها، طغراءهایی خاص برای خود ترتیب دادند و در ترویج آنها کوشیدند.<sup>۶</sup>

### طغراکشی و تحولات آن در امپراتوری عثمانی

به‌رغم آنکه می‌توان طغراءهای امپراتوری عثمانی را به لحاظ فرم و مضمون، متأثر از طغراءهای

۱. همان، ص ۲۱۷.

۲. مقریزی، *المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار*، ج ۳، ص ۶۷۵ - ۶۷۳.

۳. قلقشندی، *صبح الاعشی فی صناعة الانشاء*، ج ۶، ص ۲۱۴.

۴. همان، ج ۱۳، ص ۱۷۰.

۵. همان، ص ۱۳، ۱۶۷ - ۱۷۰؛ مقریزی، *المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار*، ج ۳، ص ۶۷۴.

۶. *خطة حسنی، «العلامة الطغرائية بين المغرب السعدی و تركيا العثمانية، دراسة تاريخية - فنية»*، *مجلة كلية الآداب و العلوم الإنسانية*، ص ۱۸۵، شکل‌های ۵ - ۱.

سلاجقه روم و ممالیک مصر دانست، باگذر زمان و تحولات صورت گرفته در امپراتوری عثمانی، تفاوت‌های زیادی میان آنچه در آغاز منبع الهام بوده و آنچه در نهایت تثبیت شده، به وجود آمده است.<sup>۱</sup> منابع گوناگون، نخستین طغراء موجود را مربوط به دوره اورخان غازی (حک. ۷۶۱ - ۷۲۶ ق) ذکر کرده‌اند<sup>۲</sup> که یکی از آنها به ربیع‌الاول ۷۲۴ و دیگری به ربیع‌الآخر ۷۴۹ باز می‌گردد.<sup>۳</sup> در این عصر، طغراءهای عثمانی به شکل کشیده و در دو طرف به صورت منحنی بوده است.<sup>۴</sup> در امپراتوری عثمانی علاوه بر ترسیم طغراء در بالای نامه‌ها و فرمان‌ها، برای نخستین بار از طغراء به عنوان نشانی برای اعتباربخشی به سکه‌ها استفاده شد؛ این مهم را می‌توان در سکه‌های شاهزاده سلیمان بن بایزید (۸۱۳ - ۸۰۶ ق) مشاهده نمود<sup>۵</sup> که سبب شد تا عامه مردمان روزگار نخستین عصر عثمانی نیز با طغرای سلاطین آشنا بشوند و به واسطه اشکالی که می‌دیدند، آنها را به پنجه دست و یا پرند تشبیه کنند.<sup>۶</sup>

در امپراتوری عثمانی، طغراکش را گاه نشانچی و گاه توقیعی می‌خواندند.<sup>۷</sup> برای طغراء نیز از نام‌های گوناگونی چون توقیع، نشان، طغرای همایونی و علامت شریفه استفاده می‌کردند؛<sup>۸</sup> همچنین در وثائق و اسناد عثمانی، تعبیراتی مانند توقیع همایون، توقیع رفیع، نشان شریف عالی، نشان رفیع همایون، نشان همایون مثال میمون و مانند اینها نیز به کار رفته،<sup>۹</sup> که گویای تحولات تاریخی طغراء و هم‌زمانی آن با قبض و بسط امپراتوری عثمانی است. با درگذشت هر سلطان و به تخت نشستن سلطانی تازه، بن‌مایه طغراء به تناسب شأن و شخصیت وی تغییراتی می‌کرد و سلطان تازه که پیش از این به مانند شاهزادگان دیگر برای خود طغرائی داشت، اکنون صاحب طغرای سلطنتی می‌شد و تا زمانی که امورات امپراتوری را اداره می‌کرد، از طغرای جدید بهره می‌برد. گاه شاهزادگانی که به سلطنت می‌رسیدند، از نشانی استفاده می‌کردند که در ولایت و سنجاق‌های تحت حاکمیت خویش برقرار داشته بودند،<sup>۱۰</sup> این امر سبب می‌شد تا استفاده از طغراء به تدریج در دیگر ولایت‌های تابع

۱. أباطة، الطغراء علی النقود العثمانیة، ص ۱۵۰۶؛

۲. Odabaş, *Osmanlı imparatorluğunda yazma Eser ve ferman süsleme sanatı*, P. 17.

۳. لطفی، تاریخ لطفی، ص ۴ و ۲۴؛ ۸۱. Umru, *Osmanlı padişah tuğraları*, p. 81.

۴. Pakalin, *Osmanlı Tarih Deyimleri Ve Terimleri Sozlugu*, Vol 3, p. 526.

۵. Ibid.

۶. أباطة، الطغراء علی النقود العثمانیة، ص ۱۵۰۷، ۱۵۶۴ - ۱۵۴۷.

۷. Pakalin, *Osmanlı Tarih Deyimleri Ve Terimleri Sozlugu*, Vol 3, p. 526.

۸. صابان، المعجم الموسوعي للمصطلحات التاريخية، ذیل ماده؛

Bosworth, "Tughra", *EnCyclopaedia of Islam* (2nd Edition).

۹. Odabaş, *Osmanlı imparatorluğunda yazma Eser ve ferman süsleme sanatı*, p. 17.

۱۰. Pakalin, *Osmanlı Tarih Deyimleri Ve Terimleri Sozlugu*, Vol 3, p. 526.

۱۱. Ketten, *Vakfiye Tuğraları*, p. 32.

امپراتوری نیز رواج روزافزون یابد.<sup>۱</sup> می‌توان اواخر دوران تنظیمات و پس از آن راه دوران تثبیت شکل‌گایی و نهایی طغراء دانست.<sup>۲</sup> این تثبیت، هم‌زمان با اوج‌گیری فنی تولید طغراء بود که به تدریج زمینه نقش کردن طغراء در مواردی چون کتاب‌ها، سالنامه‌ها و مانند آنها را نیز فراهم آورد و به کاربرد عمومی‌تر این هنر انجامید.<sup>۳</sup> برخلاف برخی از حکومت‌ها چون قاجاریه در ایران که رسم طغراکشی چندان دیری نپایید، در امپراتوری عثمانی، رسم طغراکشی تا پایان حکومتشان برقرار بود.<sup>۴</sup>

### تأثیر عوامل سیاسی - اجتماعی بر طغراء

همان‌گونه که قبلاً اشاره گردید، دولت سلجوقی از جمله دولت‌هایی بود که نظام اداری بسیار منظم و قانونمندی داشت. در واقع قدرت امپراتوری سلجوقی از نظام اداری آن سرچشمه می‌گرفت که مانند یک اسکلت آن را محکم و استوار نگاه می‌داشت و بی‌شک بدون قدرت دیوان‌سالاران ایرانی، سلجوقیان ترکمن از پس اداره چنین سیستم عظیمی برنمی‌آمدند.<sup>۵</sup>

تشکیلات اداری و نظام دیوان‌سالاری در هر کشوری در برگیرنده ویژگی‌ها و عناصری است که سرچشمه آنها را می‌توان در تاریخ و فرهنگ و تحولات سیاسی - اجتماعی - اقتصادی آن جامعه جستجو کرد. دیوان‌سالاری ایران با پیشینه چند هزارساله در واقع محصول و نمایانگر تحولات و رخدادهای فراوانی است که در متن و طول تاریخ این سرزمین به وقوع پیوسته است و حاصل برخی از این عناصر و ویژگی‌های نهادینه شده در آن است. مروری بر پیشینه دیوان‌سالاری در ایران نشان می‌دهد که این تشکیلات با ویژگی‌های نیرومند و مستحکمی که همواره با تغییراتی هم‌توأم بوده، به رغم تحولات و فراز و فرودهای فراوان تاریخی همچنان مقاوم و تأثیرگذار بر جای مانده است.<sup>۶</sup> در دوره سلجوقی، سلطان، امور کشوری امپراتوری را به کارمندان دیوانی احاله می‌کرد.<sup>۷</sup>

در عهد سلاجقه امور اداری مملکت در دست پنج کس قرار داشته که از جهت اهمیت مقام در عرض یکدیگر نبودند بلکه رتبه دیگری محسوب می‌شده است و این پنج تن هر کدام ریاست دیوانی

۱. لطفی، تاریخ لطفی، ص ۴ و ۲۴؛

Odabaş, *Osmanlı imparatorluğunda yazma Eser ve ferman süsleme sanatı*, p. 17.

2. Pakalın, *Osmanlı Tarih Deyimleri Ve Terimleri Sözlüğü*, Vol 3, p. 529.

3. Ibid, p. 529.

4. Ibid.

۵. اقبال، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، ص ۱۸.

۶. رستمی، «فرازمندی دیوانسالاری در تمدن اسلامی و نقش دبیران ایرانی»، *مجله دستاوردهای نوین در مطالعات*

*علوم انسانی*، ش ۸، ص ۶۵

۷. همان، ص ۷۲.

را بر عهده داشتند. یکی از این پنج دیوان، دیوان طغراء بوده که رئیس این دیوان را طغرائی می‌گفتند و او در ایامی که سلطان به شکار می‌رفت و خواجه بزرگ همراه نبود، وزیر سلطان محسوب می‌شد. دیوان طغراء شامل شعبه‌ای بود به نام دیوان الرسائل و الإنشاء که جماعتی به نام منشی و کاتب رسائل در آن کار می‌کردند که متقلد آن را رئیس یا وزیر یا صاحب دیوان الرسائل می‌گفتند و او در حقیقت رئیس دارالإنشاء سلطانی بوده و زیردست خود تعداد نسبتاً زیادی محرر و منشی و کاتب رسائل داشت که طرف اعتماد و خازن اسرار دولت بودند. به همین جهت غالباً از دربار سلطانی، رئیس دیوان الرسائل را به اطراف به رسالت و سفارت و انجام مأموریت‌های سری و سیاسی می‌فرستادند و غالباً نیابت صدارت نیز با او بود. بنابراین طغرائی یا طغراکش در حقیقت کسی بوده است که فرمان‌ها و مثال‌ها و منشورها را به صحنه سلطان می‌رسانده و آنها را به نام او موشح می‌کرده است.<sup>۱</sup>

گفتنی است تغما و طغراء از نشان‌های دولتی بوده که علاوه بر تأیید رسمی نامه‌ها و مرسوله‌های اداری، قدرت اجرایی آن دولت‌ها را ارتقاء می‌بخشید و در تشکیلات اداری بعد از اسلام، با برخی تغییرات در میزان و محدوده کاربرد رسمی آنها در دوره‌های تاریخی و سرزمین‌های مختلف جغرافیایی، از کاربرد لازم در قلمرو اسلامی برخوردار بوده است.<sup>۲</sup> در برخی موارد نیز در تشکیلات اداری و سیاسی دوره قراخانیان به منزله امضا بوده و بعدها از سوی پادشاهان و حکمرانان غزنوی، سلجوقی، خوارزمشاهی، افشاریه، ممالک مصر و عثمانیان به کار گرفته شده است.<sup>۳</sup>

در ابتدا ترکان سلجوقی و سپس ترکان عثمانی، طغراء را به‌عنوان یک نشان شاهنشاهی به‌کار بردند؛ از این‌رو، طغراء اقتباسی از سنت دیوانی سلجوقیان آسیای قدامی و اولین سطرهای متون عصر مغول است و می‌توان این شیوه نوشتاری و ترسیمی مخصوص را غیر از ترکمانان (و صفویان)، در نزد ایلخانیان ایران، شاخ طلائیی، خانان کریمه و فرمان‌های تیموریان هند یافت. در مقابل، فرمان‌های عثمانیان و مملوکان، فاقد طغراء است، زیرا بهترین تحقیقات درباره نام طغراء را در عنوان و نام حکم، باید در اسناد عثمانی جست. در نزد مملوکان هم طغراء همان وضع و عمل مشابه را داشته است و این فرمان‌ها از القاب و نام سلطان تشکیل شده بود و گاهی امضای مأموران عالی‌رتبه را «طغراء» و سایر امضاها را «خط» نامیده‌اند.<sup>۴</sup> بر همین اساس، طغراء، نشان و علامت فرمان‌روایان غز بوده که بعدها پادشاهان سلجوقی و سلاطین و فرمان‌روایان عثمانی نیز آن را اقتباس کردند و

۱. اقبال، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، ص ۲۳ - ۲۲.

۲. جوادی، «تحول نظام خانم و نشان در تشکیلات اسلامی»، مجله تاریخ اسلام، ش ۲۴، ص ۶۶.

۳. همان، ص ۶۶.

۴. بوسه، پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی ...، ص ۱۲۳ - ۷۳.



به تدریج به نشان دولت و مملکت تبدیل شد و نه فقط فرمان‌ها، بلکه کلیه قبایله‌ها، سکه‌ها و کشتی‌های جنگی، و در ایام متأخر، شناسنامه، تمبر پست، تذکره و غیره را با آن، نشانه‌گذاری می‌کردند.<sup>۱</sup>

شیوه ترسیم طغراء، در دوره سلاطین عثمانی شکل خود را حفظ کرد، اما در ایران به دلیل اعتقادات دینی و مذهبی سلاطین، شکل نمادین طغراء تغییر کرد و با مفاهیمی دیگر در دوره‌های بعد شکل گرفت. در این دوره، استفاده از خطوط ثلث، نسخ، توقیع، نستعلیق و شکسته نستعلیق برای ترسیم طغراء بیشتر مورد توجه بوده است.

همچنین وجود رنگ‌های قرمز، طلایی و لاجوردی که در طغراءها با استادی تمام و براساس زنجیره‌ای از کلمات کنار هم قرار گرفته‌اند، نشانی از خلافت و حاکمیت پادشاهان اسلامی با حمایت دوازده امام علیهم‌السلام می‌باشد که در شبکه موزون خطی به هم بافته شده‌اند و چون منظمه‌ای زیبا جلوه می‌کنند.<sup>۲</sup>

از طرفی باید طغراء را یک نماد ترکی دید که با آشنا شدن آنان با دیوان‌سالاری ایرانی، تبدیل به یک نهاد دیوان‌سالاری خاص شده و با یافتن آداب و رسومی خاص، دارای جنبه‌های هنری و ادبی نیز گردید و در عصر عثمانی به اوج خود رسید. برای سلاطین عثمانی طغراء نشانی از قدرت و عظمت شاهی و دارای اهمیت زیادی بوده است. آنها طغراء را در اندازه‌ای بزرگ در قسمت بالا و در مرکز اسناد قرار می‌دادند، به طوری که بیشتر فضای سند را طغراء با نقوش تزئینی آن تشکیل می‌داد. علاوه بر فرم ظاهری و محل قرارگیری طغراءها، نقوش تزئینی که شامل اسلیمی و ختایی‌ها بوده، با ظرافت خاصی در اطراف طغراء نقش بسته‌اند. شیوه آرایش این نقوش به طوری است که در قالب شکل هندسی مثلث و در قسمت بالای طغراء قرار می‌گیرند. این شکل هندسی شباهت زیادی به چتری که شاهان بر بالای سر خود می‌افراشتند، دارد.<sup>۳</sup> البته حکومت‌گران ایرانی هم آن را مورد استفاده قرار دادند. شاخ و برگ یافتن آن، همراه و هم‌عنان بود با قدرت‌یابی هرچه بیشتر حکومت‌های ترک‌نژاد که سبب شد آن را در دیوان‌سالاری جا اندازند و تا حد یک دیوان بالا برند. حتی در مقایسه و در برابر دیوان انشاء که از قدیم بوده و در پاره‌ای از دوره‌ها هم با انشاء درآمیخت.

## نتیجه

واژه طغراء به نشانه تأیید نوشتاری و صحه نهادن بر حکم و دستور بوده است. بسط اقتدار سیاسی ترکان، از روزگار ریاست بر یک قبیله تا پایان امارت بر یک امپراتوری، در بلاد اسلامی دور و نزدیک،

۱. مصاحب، *دائرة المعارف فارسی*، ذیل ماده طغراء.

۲. افشارمهجر و کلهر، «بررسی بصری طغراء و مهرهای سلطنتی ایران»، *نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی*، ش ۳، ص ۵۷.

۳. همان، ص ۵۲.

سبب رواج آن شد و در نهایت، دیوانی را به خود اختصاص داد و منشاء تولید و ارائه آثار ارزنده هنری گردید. تنوع پدید آمده در فن طغراکشی هم عامل سیاسی داشته و هم متأثر از ذوق و سلیقه هنرمندانی بوده که به این امر اشتغال داشته‌اند. به لحاظ سیاسی می‌توان از تقابل طغراهای شطرنجی در عصر صفوی یاد کرد که با ترسیم دوازده خانه که در هر خانه نام یکی از دوازده امام حک شده بود، و در مقابل، طغراهای عثمانی که با اشکال منحنی و به صورت پنجه دست و پرنده ترسیم می‌شدند.

همچنین می‌توان سیاست و منازعات بر سر قدرت را یکی از عوامل گسترش هنر طغراکشی در سرزمین‌های اسلامی دور دست دانست؛ منازعاتی که هنرمندان را به گریختن از معرکه وامی‌داشت و دربارهای رقیب را به پذیرش آنان، ترغیب می‌نمود. عامه مردم نیز با بهره‌گیری هرچند اندک و ناقص و در سطح نازل از هنرهایی چون طغراکشی در کتاب‌ها و نشان‌های تجاری و اسناد شخصی، تبعیت از سلطان مستقر و همسان‌سازی خود با حاکمیت را نشان می‌دادند.

### منابع و مأخذ

۱. آبادی باویل، محمد، «تمغا (طمغا)»، *مجله زبان و ادب فارسی*، ش ۱۰۴، زمستان ۱۳۵۱، ص ۴۹۹-۴۷۹.
۲. أباطة، عبدة إبراهيم محمد، *الطغراء على النقود العثمانية، المؤتمر الخامس عشر للإتحاد العام للأثاريين العرب بجامعة الملك محمد الأول*، وجدة - السعيدية، ۱۵ - ۱۳ اکتوبر ۲۰۱۲.
۳. ابن خلف تبریزی، محمدحسین، *برهان قاطع*، به کوشش محمد معین، تهران، ابن سینا، ۱۳۶۱.
۴. ابن خلکان، احمد بن محمد، *وفیات الاعیان*، حقه احسان عباس، بیروت، دار الثقافة، ۱۹۶۸ م.
۵. ابن منظور، محمد بن کرم، *لسان العرب*، بیروت، دار الحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
۶. استرآبادی، میرزا مهدی‌خان، *درة نادره*، به کوشش سید جعفر شهیدی، تهران، بی‌نا، ۱۳۸۴.
۷. اسکندریگ ترکمان، *عالم آرای عباسی*، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۸. اشیپولر، برتولد، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه عبدالجواد فلاطوری و مریم میراحمدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۹. افشارمهاجر، کامران و سمر کلهر، «بررسی بصری طغرا و مهرهای سلطنتی ایران»، *نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی*، ش ۳، پاییز ۱۳۹۳، ص ۵۸-۴۹.
۱۰. اقبال، عباس، *وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی از تاریخ تشکیل این سلسله تا مرگ سلطان سنجر (۴۳۳-۵۵۲)*، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و یحیی ذکاء، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.

۱۱. انوری، حسن، *اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی*، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۳۵.
۱۲. بهنسی، عقیف، *معجم مصطلحات الخط العربی و الخطاطین*، بیروت، مکتبه لبنان، ۱۹۹۵ م.
۱۳. بوسه، هریرت، *پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی...*، به کوشش غلامرضا ورهرام، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
۱۴. ترابی طباطبایی، سید جمال‌الدین، «سکه‌های آق‌قویونلوها و مبنای حکومت صفویه در ایران»، *موزه آذربایجان*، ش ۷، ۱۳۵۵.
۱۵. جوادی، سید مهدی، «تحول نظام خاتم و نشان در تشکیلات اسلامی»، *مجله تاریخ اسلام*، ش ۲۴، زمستان ۱۳۸۴، ۸۶-۶۵.
۱۶. جوی‌نی، مؤیدالدوله منتجب‌الدین بدیع‌اتابک، *عتبة الکتبة*، به کوشش و تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران، شرکت سهامی چاپ، ۱۳۲۹ ش.
۱۷. خبیطه حسنی، محمد عبدالحفیظ، «العلامة الطغرائیة بین المغرب السعدی و ترکیا العثمانیة، دراسة تاریخیة - فنیة»، *مجله كلية الآداب و العلوم الإنسانیة*، العدد الخامس و ثلاثون، الرباط ۲۰۱۵.
۱۸. خورموجی، محمدجعفر، *حقایق الاخبار ناصری*، به کوشش حسین خدیوچم، تهران، کتاب‌فروشی زواره، ۱۳۴۴.
۱۹. *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۶۲، تاکنون.
۲۰. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، به کوشش محمد معین و جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۱. رامپوری، غیاث‌الدین محمد بن جلال‌الدین بن شرف‌الدین، *غیاث اللغات*، به کوشش منصور ثروت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۲۲. راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، *راحة الصدور و آية السرور*، به کوشش محمد اقبال، با تصحیحات مجتبی مینوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۲۳. رستمی، عبدالکریم، «فرازمندی دیوانسالاری در تمدن اسلامی و نقش دبیران ایرانی»، *مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، ش ۸، دی ۱۳۹۷، ص ۸۳-۶۴.
۲۴. شهرستانی، سیدحسین، *جلوه هنر در اسناد ملی*، سازمان اسناد ملی ایران، تهران، ۱۳۸۱.

۲۵. صابان، سهیل، *المعجم الموسوعي للمصطلحات التاريخية*، مراجعه عبدالرزاق محمدحسن برکات، ریاض، مکتبه الملك فهد الوطنيه، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۰ م.
۲۶. صدیق، محمدیوسف، *رحلة مع النقوش الكتابية الإسلامية في بلاد البنغال*، دراسة تاريخية حضارية، دمشق، دار الفكر، ۲۰۰۴ م.
۲۷. صفا، ذبیح‌الله، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران، فردوسی، ۱۳۷۸.
۲۸. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴.
۲۹. فرائضجی زاده، محمدسعید، *تاریخ گلشن معارف*، دار الطباعة العامرة، ۱۸۳۶ م.
۳۰. قائم مقامی، جهانگیر، «توقیع و طغرا و تطور آنها در تداول دیوانی»، *مجله بررسی‌های تاریخی*، ش ۳، خرداد و تیر ۱۳۴۹، ص ۲۸۶ - ۲۳۹.
۳۱. قائم مقامی، جهانگیر، «مهرها و توشیح و طغراهای ملوک هرمز»، *مجله بررسی‌های تاریخی*، ش ۳، مرداد و شهریور ۱۳۵۲، ص ۵۸ - ۴۳.
۳۲. قائم مقامی، جهانگیر، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰.
۳۳. قائم مقامی، جهانگیر، *مهرها و طغراها و توقیع‌های پادشاهان ایران از ای‌لمخانان تا پایان قاجاریه*، خرداد تا شهریور ۱۳۴۸، سال چهارم، ش ۲ و ۳، ص ۱۶۲ - ۱۲۳.
۳۴. قلقشندی، احمد بن عبدالله، *صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء*، به کوشش محمدحسین شمس‌الدین، بیروت، دار الکتب العلمية، ۱۳۶۶.
۳۵. قمی، نجم‌الدین ابوالرجاء، *تاریخ الوزراء*، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
۳۶. کاشغری، محمود بن حسین بن محمد، *دیوان لغات الترک*، به کوشش علی امیری افندی، استانبول، مطبعة عامرة، ۱۳۳۳ م.
۳۷. کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی، *مهرها، طغراها و فرمان‌های پادشاهان ایران*، لندن، بی‌نا، ۱۳۸۵.
۳۸. کسروی، احمد، *تاریخ هیجده‌ساله آذربایجان*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۳۹. لطفی، احمد، *تاریخ لطفی*، استانبول، مطبعة عامرة، ۱۳۲۸.
۴۰. مبصرالسلطنه، میرزا حسین خان، *مواصلات طهران*، به کوشش منصوره اتحادیه و سعید میرمحمدصادق و ویرایش مصطفی زمانی‌نیا، تهران، کتاب سیامک، ۱۳۸۴.
۴۱. مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی‌بکر بن احمد، *تاریخ گزیده*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.

۴۲. مشکور، محمدجواد، *اخبار سلاجقه روم*، به انضمام مختصر سلجوقنامه ابن بی بی، تبریز، کتابفروشی تهران، ۱۳۵۰.
۴۳. مصاحب، غلامحسین، *دایرة المعارف فارسی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰.
۴۴. معزی، امیرالشعراء محمد بن عبدالملک نیشابوری، *دیوان*، به کوشش عباس اقبال، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۱۸.
۴۵. مقریزی، تقی الدین احمد بن علی بن عبدالقادر، *المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط والآثار*، لندن، چاپ ایمن فؤاد سید، ۱۴۲۳ ق / ۲۰۰۲ م.
۴۶. میرزا رفیعا، محمد رفیعة بن حسن، *دستور الملوک*، به کوشش محمدتقی دانش پزوه، تهران، بی نا، ۱۳۸۴.
۴۷. نجفی، وحید و حدیث گودرزی، «بررسی و تحول نشان، طغراء، مهر و امضاء در دوران معاصر ایران»، *تاریخنامه خوارزمی*، ش ۲۴، زمستان ۱۳۹۷، ص ۱۱۸ - ۸۹.
۴۸. نسوی، شهاب الدین محمد، *سیرت جلال الدین منکبرنی*، به تصحیح و مقدمه مجتبی مینوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
۴۹. هدلق، ابراهیم بن عبدالرحمن، «الطغراء فی الخط العربی»، *مجلة الفيصل*، العدد ۳۳۹، رمضان ۱۴۲۵ ق / اکتوبر - نومبر ۲۰۰۴ م.
۵۰. واحد، اسدالله، «کتابت مکاتیب دیوانی و آداب آن در عهد سلجوقی»، *مجلة تاریخ نامه ایران بعد از اسلام*، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۸۱ - ۱۶۱.
51. Bosworth, C. E. , J. Deny, Muhmmad Yusuf Siddiq, "Tughra", *Encyclopaedia of Islam* (2nd Edition) E. J. Brill, Leiden, 1960 – 2002.
52. Boydaş, N., *Osmanlı tuğralarına eleştiri açısından bir bakış*, Ankara, yeni Türkiye yayınları, 1999.
53. Cahen, Claude, "La Tugra Seljukide", *Journal Asiatique*, 234 (1943 – 1945).
54. Clauson, Gerard, *An Etymological Dictionary of Pre - Thirteen Century Turkish*, Clarendon Press, Oxford, 1972.
55. F. Steingass, *A Comprehensive Persian - English Dictionary*, Routledge and Kegan Paul limited, London, rpr, 1963.
56. Ketten, I. Ve Şahin, M. N, *Vakfiye Tuğraları*, Ankara, Başbakanlık vakıflar Genel Müdürlüğü, 2004.
57. L. Clausnert, Carla, *The Seljuk Vezirate a study of civil administration (1055 - 1194)*, Harvard University Press, 1973
58. Leiser, G. , "tamga", *Encyclopaedia of Islam* (2nd Edition) E. J. Brill, Leiden, 1960 – 2002.
59. Mensiz, Ercan, Türk Dünyasında Tuğraları ve Osmanlı padişah tuğraları Tugras in Turkic world and Ottoman Sultan Tugras: [www.tugra.org](http://www.tugra.org).

*Archive of SID*

60. Nadir, A., *Osmanlı padişah fermanları*, Istanbul, 1986.
61. Odabaş, Hüseyin, Coşkun, Polat. *Osmanlı imparatorluğunda yazma Eser ve ferman süsleme sanatı*, 2015.
62. Özdemir, K. *Osmanlı Arması*, Istanbul, 1997.
63. Pakalin, Mehmet Zeki, *Osmanlı Tarih Deyimleri Ve Terimleri Sözlüğü*, Istanbul, 1993.
64. Sâmî, Şemseddin, *kamus türk*, ikdam matbası, 1901.
65. Stern, S. M., *Coins and documents from the Medieval Middle East*, Variorum Reprints, London, 1986.
66. Umru, S., *Osmanlı padişah tuğraları*, Istanbul, Cem yayınevi, 1980.
67. Yaqub Ali, A. K. M. , *Epigraphs of Medieval Bengal Mode of Decipherment and Utilization for History - writing*, retrieved from [http, www.bmri.org.uk](http://www.bmri.org.uk).